

بررسی وضعیت طبقه اجتماعی کورتش ها در عصر مادها و هخامنشیان

علی قاسمی نیا

کارشناسی ارشد جغرافیا، گرایش برنامه ریزی شهری - دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی - دبیر آموزش و پرورش شهرستان قائمشهر

چکیده

یکی از مهمترین دوره های تاریخی ایران عصر هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) می باشد. بی شک نظامی که هخامنشیان در چگونگی اداره کشورداری پایه ریزی نموده بودند اثراتش را تا دوره قاجاریه می بینیم و الگویی را که داریوش در اصول کشورداری داشت شگفت انگیز می نماید. پایه و اساس زندگانی اجتماعی ایران عصر هخامنشیان، کشاورزی بود. امیران و بزرگان و دستگاههای اداری و مذهبی، کارگرانی داشتند که آنان را «مانیا، کورتیش، کردا، گرده ها یا بردگان» می خواندند. اینان که بردگانی بیش نبودند داغ داشتند و در امور ساختمانی و کشاورزی و صنعت از وجودشان استفاده می کردند. اینان از اسیران جنگی بشمار می رفتند و آنان را غالباً در روستاها ساکن می دادند

واژه های کلیدی: تاریخ، ماد، هخامنشیان، طبقات اجتماعی، کورتش، کارگران.

مقدمه

تمامی جوامع بشری دارای سلسله مراتب، طبقات و پایگاه‌هایی می‌باشند. هر جامعه‌ای دارای ارزش‌ها و هنجارهایی می‌باشد. برحسب اینکه طبقات اجتماعی هر جامعه‌ای بر مبنای چه اصول و ارزش‌هایی متمایز می‌شود، این پایگاه‌های اجتماعی در جوامع گوناگون، متفاوت از هم می‌گردند. اما وجه مشترک تمامی جوامع این است که طبقات اجتماعی دارای ارزش یکسان و مساوی نبوده که این مسئله به نابرابری و فواصل طبقاتی منجر می‌شود. در عبارتی ساده مفهوم پایگاه اجتماعی، زائیده ارزش و اعتباری است که جامعه به یک نقش اجتماعی می‌بخشد. از نظر بروس کوئن، پایگاه به موقعیت اجتماعی فرد در یک گروه یا به مرتبه اجتماعی او در یک گروه، در مقایسه با گروه دیگر اطلاق می‌شود. اهمیت تحقیق حاضر به دو دسته آتی و آتی تقسیم می‌شود فواید آتی تحقیق عبارت از: ۱- موجب شناخت طبقات اجتماعی ایران عصرهخامنشیان می‌گردد. ۲- به بررسی و نقش‌کورتشها در عصر هخامنشیان می‌پردازد. ۳- موجب شناخت فرهنگ طبقه فرودستان ایران عصر هخامنشی و نوع برخورد ایرانیان با ملل تابعه می‌گردد. فواید آتی تحقیق عبارت از: ۱- پیشینه تحقیق مناسبی برای محققان تاریخ و جامعه‌شناسی و کارشناسان و صاحب‌نظران تاریخ ایران باستان خواهد شد. ۲- منبعی مفید پیرامون تاریخ فرودستان در ایران عصر هخامنشی خواهد گردید.

یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی ایران عصر هخامنشیان می‌باشد. بی‌شک نظامی که هخامنشیان در چگونگی اداره کشورداری پایه‌ریزی نموده بودند اثراتش را تا دوره قاجاریه می‌بینیم و الگویی را که داریوش در اصول کشورداری داشت شگفت‌انگیز می‌نماید. پایه و اساس زندگانی اجتماعی ایران عصر هخامنشیان، کشاورزی بود. امیران و بزرگان و دستگاه‌های اداری و مذهبی، کارگرانی داشتند که آنان را «مانیا، کورتیش، کردا، گرده‌ها یا بردگان» می‌خواندند. اینان که بردگانی بیش نبودند داغ داشتند و در امور ساختمانی و کشاورزی و صنعت از وجودشان استفاده می‌کردند. اینان از اسیران جنگی بشمار می‌رفتند و آنان را غالباً در روستاها ساکن می‌دادند. قسمت اصلی اراضی کشور باستان املاک برده‌نشین، به وسیله کشاورزان وابسته به زمین اداره می‌شدند. این کشاورزان حق نداشتند آن اراضی را ترک کنند و با همان زمینها به مالک دیگر منتقل می‌گشتند. قسمتی از اراضی کشور به معابد اختصاص داشت. در این نقاط کانونهای انبوه‌بردگان بوجود آمده بود که به آنها کورتش می‌گفتند (شعبانی، ۱۳۸۷ ص ۷۸) در روزگار هخامنشی جامعه ایران به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شد **دسته اول شاه و خاندان‌های بزرگ ایرانی و دسته دوم مردم معمولی** که پنج طبقه به شرح زیر تقسیم می‌شدند:

- ۱- نظامیان
- ۲- روحانیون
- ۳- طبقه متوسط شامل: نظامیان و بازرگانان و پیشه‌وران و صنعتگران و سنگتراشان و کشاورزان کوچک و مغان سطح پایین.
- ۴- هنرمندان و پیشه‌وران سایر ملل (موظفان اجباری)
- ۵- کشاورزان وابسته به زمین در املاک شاهی
- ۶- کارگران
- ۷- کورتش‌ها. (شعبانی، ۱۳۸۷ ص ۷۲-۸۰ و هینتس، ترجمه، رجبی ۱۳۸۹ ص ۳۵۰-۳۵۵)

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله روش تاریخی از نوع تحلیل محتوا و بر اساس اسنادی از منابعی همچون، تاریخ هرودوت و کتیبه شاهان هخامنشی و تحقیقات استاد شعبانی وزیرین کوب و خدادادیان و هینتس و خانم ماری کخ و رجبی می‌باشد. ضمن آنکه محوریت کتیبه‌های شاهان هخامنشی بوده است.

جامعه تحقیق

جامعه تحقیق ما طبقه "کورتشها" در تاریخ ایران عصر هخامنشی (۳۳۰-۵۵۹ ق.م) می باشد.

مقایسه دو کتیبه در ارتباط با چگونگی مدیریت بر مردم معمولی

۱- کتیبه آشوری (تفکری از آشوربانی پال پادشاه آشور)

آشوربانی پال: من از شهرهای عیلام به اندازه ای ویران کردم که برای عبور از ویرانه ها یک ماه و بیست و پنج روز وقت لازم است. شاهزادگان و جوانان و پیران و خواهران شاه را همگی به اسیری بردم. زنان و مردان شهر را به همراه اسبان و گوسفندان نشان که شمارشان از دسته های ملخ بیشتر بود همگی را به غنیمت بردم. تمام عیلام و شوش و هلماس را تصرف کردم و بانگ آدمیزاد و شادی را از آنجا برانداختم. آشوربانی پال فرمان داد تا زبان سربازان اسیر را بکنند و با گرز سرهایشان را بکوبند تا بمیرند. دستور داد تا مردم شهر را در برابر مجسمه گاو بالدار شهر سر ببرند. این کار آشوربانی پال درست همانند جدش سناخریب است که وی نیز چنین کرده بود. جسد مردگان در شهر بایستی بماند تا خوکان و پرندگان بخورند.

۲- کتیبه منشور حقوق بشر کورش

"اینک که به یاری مزدا، تاج سلطنت ایران و بابل و کشورهای جهات اربعه را به سر گذاشته ام، اعلام می کنم که تا روزی که من زنده هستم و مزدا توفیق سلطنت را به من می دهد. دین و آیین و رسوم ملت‌هایی که من پادشاه آنها هستم، محترم خواهم شمرد و نخواهم گذاشت که حکام و زیر دستان من، دین و آیین و رسوم ملت‌هایی که من پادشاه آنها هستم یا ملت‌های دیگر را مورد تحقیر قرار بدهند یا به آنها توهین نمایند... من امروز اعلام می کنم که هر کس آزاد است که هر دینی را که میل دارد، بپرسد و در هر نقطه که میل دارد سکونت کند، مشروط بر اینکه در آنجا حق کسی را غضب ننماید و هر شغلی را که میل دارد، پیش بگیرد و مال خود را به هر نحو که مایل است، به مصرف برساند، مشروط به اینکه لطمه به حقوق دیگران نزند. من اعلام می کنم که هر کس مسئول اعمال خود می باشد و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری که یکی از خویشاوندانش کرده، مجازات کرد، مجازات برادر گناهکار و برعکس به کلی ممنوع است و اگر یک فرد از خانواده یا طایفه ای مرتکب تقصیر میشود، فقط مقصر باید مجازات گردد، نه دیگران. من تا روزی که به یاری مزدا، سلطنت می کنم، نخواهم گذاشت که مردان و زنان را بعنوان غلام و کنیز بفروشند و حکام و زیر دستان من، مکلف هستند که در حوزه حکومت و ماموریت خود، مانع از فروش و خرید مردان و زنان بعنوان غلام و کنیز بشوند و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد؛ و از مزدا خواهانم که مرا در راه اجرای تعهداتی که نسبت به ملت‌های ایران و بابل و ملت‌های ممالک اربعه عهده گرفته ام، موفق گرداند."

سیر برده داری در تاریخ ایران باستان

یکی از اصطلاحات فارسی باستان برای برده «گرده»، به معنای برده (برده‌های) خانگی، بود. این اصطلاح در مکتوبات آرامی آرشام، ساتراپ مصر در قرن پنجم پیش از میلاد و در متون بابلی دوره هخامنشی، به صورت، «گرده / گردو» و در اسناد عیلامی که از تخت جمشید به دست آمده به صورت، «کورتش» آمده است. این افراد کارگران اعضای خانواده سلطنتی و خانواده نجبای پارس در ایران و بابل و مصر بودند. در گذر زمان، معنای کلمه «کورتش» گسترش یافت و به مفهوم «کارگر» به کار رفت. در متن عیلامی کتیبه بیستون، «کورتش» معادل «مانیه» در فارسی باستان (در متن بابلی، به معنای کارگران مزدور) است. احتمالاً «مانیه» به معنای «برده خانگی» بوده است. بسیاری از بردگانی که برای نجبای هخامنشی و پارسی کار خانگی می کردند (مانند نانوایان، آشپزها، ساقیان و خواجه سرایان)، نیز از بین نمایندگان ملت‌های شکست خورده گرفته می شدند. (شعبانی، ۱۳۸۷)

در کتاب قانون ساسانیان، برده‌هایی که وقف آتشکده زردشتی می شدند دو گروه بودند: (۱) «آنشهریگ آتخش» که بنابر اطلاعات بسیار پراکنده درباره بردگی آتشکده، برده به معنای واقعی کلمه بوده است، یعنی شخصی بدون هرگونه حق قانونی (یا

فقط با حقوق بسیار محدود) که احتمالاً بیشتر در املاک آتشکده خدمت می‌کرده‌است؛ ۲) «آتخس بَندگ» یا «آدوران بَندگ» که شخصی آزاد، حتی از اصلی اشرافی بوده و صرفاً در معنای مجازی کلمه «برده» به شمار می‌آمده و از لحاظ مذهبی «مقید» به آتش بوده‌است. یک مرد آزاد شده را نیز می‌شد به «آتخس - بندگیه» یا «آدوران بَندگیه» داد، یعنی خدمت یک آتشکده؛ چنین برده‌ای را اربابش به همین منظور آزاد می‌کرد. برده‌ای که به طور کامل آزاد نشده بود، در حدی که آزادی داشت، فقط می‌توانست به عنوان یک «آتخس - بندگ» خدمت کند. (بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۱)

وضع کورتش‌ها در عصر ماد



نمودار ۱: طبقات اجتماعی در عصر هخامنشیان

سازمان اداری و اجتماعی کورتش ها در عصر هخامنشیان

کوردبتیش

درالواح استحکامات خزانه‌های تخت جمشید چهارمور ایرشنه، میشپرمه، کرکیش و شودیئوده=suddayauda عنوان کوردبتیش- یاصدباشیان را داشتند: این اصطلاح به دو نوع فهم شده است: ۱- کسانی که وظیفه شان اداره نیروی کاری است که در مزارع و کارگاهها و ساختمانها کار می کنند. این نیروی کار را کورتش یا گرده نامیده اند. ۲- کوردبتیش ها ناظرانی هستند که وظایف مهمشان توزیع مواد غذایی میان کورتشهاست. درسال ۴۹۴ ق. میشپرمه نامی مسئولیت داشت. (پیربریان، ترجمه، فروغان، ۱۳۸۱ ص ۶۶۷)

لوحه‌های سال ۴۹۳ ق.م تخت جمشید نشان می دهند بخشی از دستمزدهای کورتش ها به صورت نقره بوده است. پیربریان معتقد است کورتشها کارگران تخت جمشیداند (همان، ص ۶۶۹). در الواح تخت جمشید اصطلاح ایلامی کورتش ها به کارگران متخصص در کارهای ساختمانی می گفتند واز خزانه "کورتش کپنوشکیپ" دستمزد دریافت می نمودند. آنان را اغلب "کورتش- صنعتگر جیره گر در تخت جمشید" نامیده اند. تخصص آنان گاه به طور دقیق مشخص شده است: آنان برسنگ کار می کنند، نقش برجسته های چوبی را می سازند، به اتمام تالار پرستون کمک می کنند، وزرگر یا ریخته گردند. مجموع الواح خزانه تایید کننده تداوم کارهای تزئینی وپرداخت کاریهای مستمر در تخت جمشید به ویژه در تمام طول سلطنت خشایارشا است. در الواح استحکامات و خزانه از کارگرانی به نام مریپ یاد شده است که طبقه ای از کورتش ها بوده اند. لوحه های سال ۵۰۷ تا ۵۰۰ ق.م به توزیع غذا (شراب و غلات) در میان کورتش ها (پیکره سازان بر سنگ وزرگران و منبت کاران) اشاره شده است. لوحه های 42-53-52 pt به کورتشهایی که در کارگاههای نیریز زره می ساختند اشاره شد. به یک طبقه از کورتشها "پشپ=pasap" زنان کارگر می گفتند که شغلشان بافندگی و تهیه جامه بوده است. از نکات جالب توجه در لوحه ها دادن جیره غذایی بین راهی به کورتشها در حین سفر یا اتمام کارشان بوده است. (همان، ص ۶۷۳-۶۶۹).

پایگاه اجتماعی کورتشها

ریشه شناسی گرده (garda) چندان کمکی به ما در شناخت کورتشها نمی کند؛ اما کتیبه های داریوش نشان می دهند که کورتشها از اقوام متعددی بوده اند: نام سرزمین های وابسته، در سنگ نوشته ای در آرامگاه داریوش که در نقش رستم می باشد، به تفصیل این گونه آمده است: ماد، خووج (خوزستان)، پرتوه (پارت)، هریوا (هرات)، باختر، سغد، خوارزم، زرنگ، آراخوزیا (رخج، افغانستان جنوبی تا قندهار)، تته گوش (پنجاب)، گنداره (گندهارا) (کابل، پیشاور)، هندوش (سند)، سکاوم و رکه (سکاهای فرای جیحون)، سگاتیگره خود (سکاهای تیزخود، فرای سیحون)، بابل، آشور، عربستان، مودرایه (مصر)، ارمینه (ارمن)، کته په توک (کاپادوکیه، بخش خاوری آسیای صغیر)، سپرد (سارد، لیدیه در باختر آسیای صغیر)، یئونه (ایونیا، یونانیان آسیای صغیر)، سکایه تردریا (سکاهای آن سوی دریا: کریمه، دانوب)، سکودر (مقدونیه)، یئونه تک برا (یونانیان سپردار: تراکیه، تراس)، پوتیه (سومالی)، کوشیا (کوش، حبشه)، مکیه (طرابلس باختر، برقه)، کرخا (کارتاژ، قرطاجنه یا کاریه در آسیای صغیر). اینکه این کارگران به چه عنوانی به پارس می آمدند یا به آنجا هدایت می شدند؟ پرسشی است که چندین توضیح همزمان می خواهد. برخی از اسناد موید وجود سیاست تبعید اقوام شکست خورده است. بنا به نقل هرودوت حکم تبعید درباره اقوام زیر اجرا شد: میلئوسها، پایونیه های تراکیا، اهالی ارتریا و بویوتیاییها و کاریها که برای کار به نقاط مختلف امپراتوری هخامنشی فرستاده می شدند؛ اما فرمانهای کورش و داریوش نظر هرودوت را رد می نماید. بنا به نوشته آنان بسیاری از استادکاران اقوام مختلف با اراده و میل خود به ایران می آمدند به عنوان نمونه لوحه شماره های PT1-pt78 موید حضور استادکاران مصری کاربا چوب است. البته برخی از کورتشها اسیران جنگی بوده اند از قبیل: کتزیاس و دموکدس پزشک.

جمعیت‌شناسی کورتشها

هخامنشیان برای زاد ولد اهمیت خاصی قائل بودند چرا که به این درک رسیده بودند که نیروی کا و منابع انسانی اساس مدیریت بر امپراتوری وسیعشان است. بنا به قانون هخامنشیان اگر زن کورتشی فرزندی به دنیا می‌آورد جیره‌های خاصی به او می‌دادند و همچنین شراب و آب جو بدانان داده می‌شد. جیره به مادر نوزاد پسر دو برابر دختر بود. به عنوان مثال اگر ۱۰ لیتر شراب به یک پسر تعلق می‌گرفت به دختر ۵ لیتر شراب می‌دادند. الواح بین سالهای ۵۰۰ تا ۴۹۷ ق.م نشان می‌دهد شمار کل نوزادان ۴۴۹ نفر بوده که از این عده ۲۴۷ نفر پسر (۵۵ درصد) می‌باشند. اسناد نشان می‌دهند هخامنشیان سیاست تشویق توالد و تناسل را داشته‌اند. خانم هایدماری کخ در تحقیقاتش وجود مهد کودک و رابطه عمیق خانوادگی در بین کورتشها را در تحقیقاتش نشان داد. اینک داستان زندگی یک کورتش به طور خلاصه نقل می‌شود:

یک روز زندگی یک کورتش (کارگر) در تخت جمشید

بغه پاته = Bagapata با همسرش رتینا = Ratin و دو پسر و دختر کوچکش در آبادی خودایتشیه، که در دشت پایین دژ تخت جمشید قرار دارد، زندگی می‌کنند. صبح زود با برآمدن خورشید، بغه پاته با شنیدن صدای سرزنده‌ی حرکت درکاروان سرای نزدیک، از خواب برمیخیزد. از این کاروان سرا مسافرها و بازرگان‌ها به گوشه و کنار ایران می‌روند. بسیاری از اینان راه اصلی تخت جمشید به شوش را پیش می‌گیرند، بعضی قصد رفتن به ماد و یا آسیای صغیر دارند و برخی دیگر به طرف شرق به رنج و یا حتی به هندوستان می‌روند. صدای اسب‌ها و خرها و قاطرها با نا آرامی بلند است... بغه پاته لحاف "موبزی" خود را کنار می‌زند، از تشک کاهی اش بر می‌خیزد و بالشش را مرتب می‌کند. زن و بچه اش هنوز در خوابند. از در اتق به حیاط می‌خزد. خورشید به گرمی می‌درخشد. خمره‌های بزرگ آب را، زن و دو پسرش غروب پیش پر کرده‌اند. خوشبختانه مظهر قنات با فاصله کمی از خانه اش قرار دارد. بغه پاته چند مشت از آب خمره را به صورت خود می‌زند، بعدکوزه‌ی کوچکی را پر می‌کند و به دست شویی گوشه حیاط می‌رود. بیرون که می‌آید سرحال و تازه نفس گردشی در باغچه می‌کند، به پیازها و سیرها آب می‌دهد، مرغ‌ها را از قفس گوشه باغچه آزاد می‌کند و به ظرف هاشان آب و دانه می‌ریزد. با سر و صدای خانه متوجه می‌شود که زن بچه اش نیز بیدار شده‌اند. در این میان رتینا از آرد گندم و انجیر و زردآلوی خشک حریره‌ی صبحانه را حاضر کرده‌است. بعد از صبحانه همه خانواده راهی خزانه می‌شوند. این شانس را دارند که همه در یک سازمان کار می‌کنند. بغه پاته نقره کار است و زنش خیاط. پسر بزرگش، دوازده ساله و دست و پا دار و هوشیار است. از همین روی برای یادگرفتن خط میخی فارسی باستان، که داریوش قصد رواج آن را دارد، انتخاب شده‌است. او می‌کوشد همراه ۱۱ پسر بچه، متنی را که منشی مسئول در اختیارشان گذارده با سلیقه به لوح گلی منتقل کنند. بچه‌های آموخته تر اجازه دارند روی لوح‌های مومی بنویسند. پسر دوم که هنوز نه سال دارد، مانند پدر در حال دیدن دوره نقره کاری است...؛ و کوچک‌ترین فرزند، دختر نه ماهه‌ای است که مادر پیش از رفتن به کارگاه خیاطی او را به مهد کودک خزانه می‌سپارد. بغه پاته پیش از ورود به کارگاه نقره و طلا کاری، لباس کتان بلند و آستین دارش را بیرون می‌آورد و در اتاق رخت کن از قلابی می‌آویزد. لباس کار او قطعا پارچه‌ای است که فقط ستر عورت می‌کند... تا کار با آن آسان تر باشد و سوراخ سنبه‌ای هم برای پنهان کردن فلزی گران بها یا سنگی قیمتی نداشته باشد... او باید ریتون بسازد... استادکارناظر دائما به چکش کارها سر می‌زند... به کارگرهای خزانه هم مانند خدمه‌ی دربار خوب رسیدگی می‌شود. آشپزخانه، دارند... بغه پاته بعد از صرف غذا و کمی استراحت به محل کارش می‌رود و غروب به خانه اش بر می‌گردد... (هایدماری کخ، ترجمه، رجبی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۸-۲۶۳)

صدباشیان و سرکارگران یا فرمانکران^۱

دستورات مربوط به جیره ها و جابه جاییهای کورتش ها را "روسای کورتشها" همام کوردبیتشها صادر می کنند. جیره ها بین زیرگروها که هر یک شامل ۴۶ کورتش است، با توجه به تخصصشان به طور نابرابر تقسیم می شد. این گروهها شامل ۶۳ مرد نیز گزارش شده است که به یوزباشی و کمک یوزباشی نامیده شده است.

جیره های غذایی کورتش ها

در الواح استحکامات جیره های جنسی به تبع جنس و سن به نحو متمایز توزیع می شد. جیره گیرندگان به طور کلی به مردان و پسران (پوهو) و زنان و دختران تقسیم می شدند. اسناد نشان می دهند که ۸۳ درصد مردان ماهیانه ۳۰ غله دریافت می کردند که حدود ۱۶/۵ کیلوگرم می شود و دیگران بین ۱۱ و ۲۵ کیلوگرم دریافت می کردند. ۸۷ درصد زنان بین ۱۱ و ۱۶/۵ کیلوگرم و بقیه تقریباً ۲۲ کیلوگرم غله می گرفتند. در مارس ۴۹۸ ق.م در میان ۷۰۲ کورتش غلات توزیع شده است. اینان در کل ۱۶۳۸/۵ بار یعنی بیش از ۱۰۰ کنتال (هر کنتال برابر ۱۰۰ کیلو) غله دریافت داشته اند. نحوه توزیع چنین بوده است: (پیربریان، ترجمه، فروغان، ۱۳۸۱ ص ۶۷۵ نقل از لوح pf960)

جدول ۱: نحوه توزیع

جیره دستمزدهای کورتشهای زن	جیره دستمزدهای کورتشهای مرد
۴ زن ۲۷/۵ کیلوگرم	۱ مرد ۲۷/۵ کیلوگرم
۱۲۰ زن ۲۲ کیلوگرم	۴۸ مرد ۲۲ کیلوگرم
۱۴۶ زن ۱۶/۵ کیلوگرم	۳۱ مرد ۱۸/۷۵ کیلوگرم
۱۰۰ زن ۱۱ کیلوگرم	۲۳ مرد ۱۶/۵ کیلوگرم
۳ دختر ۱۳/۷۵ کیلوگرم	۱۵ پسر (پوهو) ۱۳/۲۵ کیلوگرم
۱۳ دختر ۱۱ کیلوگرم	۲۸ پسر ۱۱ کیلوگرم
۴۳ دختر ۸/۲۵ کیلوگرم	۳۸ پسر ۱۱ کیلوگرم
۲۲ دختر ۵/۵ کیلوگرم	۲۰ پسر ۵/۵ کیلوگرم
۱۷ دختر ۲/۷۵ کیلوگرم	۲۲ پسر ۲/۷۵ کیلوگرم

^۱ framanakaran

داده های فوق نشان می دهند که در داخل هر طبقه تمایز و تفاوت حاکم است اما اطلاعات مشخصی در این زمینه وجود ندارد به نظر می رسد سن کورنشها و نوع تخصصشان در تعیین دستمزد تاثیر داشته است. از آن گذشته دوطبقه دیگر نیز جیره و مواجب دریافت می کردند که به لی بپ (libap) و شلوپ (=salup) معروف می باشند. غذای اصلی کورتشها را غلات تشکیل می داد اما به ندرت برخی از کورتشها شراب و آب جو دریافت می کردند. شراب به زنانی تعلق می گرفت که عنوان ایرشره (=irsara) داشتند یعنی رئیس بخشی بوده اند. گروه دیگری از زنان بر زنان پشپ ریاست می کردند که جیره بیشتری می گرفتند ماهانه ۲۷/۵ کیلوگرم. نوشته های آرامی تخت جمشید گواه وجود تشکیلات منظم اداری برای اداره کورتشها می باشد. نوشته های روی ظروف هاون و دسته هاونهای سنگ سبز نشان می دهد که ساخت یک ابزار دارای مدل خاصی بوده است به عنوان نمونه:

در خزانه دژ / تحت فرامین x سگن / segan / این هاون / دسته هاون / ظرف را / تحت نظر خزانه دار ویا کمک خزانه دار ساخته است / مجموعه کار سال A این فرایند را می توان به ترتیب زیر بازسازی کرد. کارگاههای ساخت ظروف سنگی که بی شک برای تزیین سفره سلطنتی ساخته می شدند در تالار خزانه مستقر بوده است. در آنجا کارگرانی کار می کنند که وضعیتشان به دقت تعیین نشده است، اما با تسمیه عام کارگران خزانه یا کورتش کپنوشکیب که در الواح اغلب به آنها اشاره شده است آشکارا تطبیق می کند. برخی آنان خراط-صیقل کاریا کرگران متخصص اند. گروههای کورتشها - که شاید به گروه های ده نفری یا صد نفری تقسیم شده اند- تحت نظارت و ریاست سگن ها یا ناظران کار می کردند. سگن ها تحت فرمان خزانه دار یا گنزره و کمک خزانه دار یا اوپه گنزره وقت بودند. توجه به تاریخ و سازنده نوع کالا حاکی از آن می باشد که هخامنشیان در اداره امور بسیار دقیق بوده اند. (پیربریان، ترجمه، فروغان، ۱۳۸۱ ص ۶۷۷)

نحوه دستمزدها به کورتشها

در اواخر سال ۱۳۱۲ ش. بر اثر خاکبرداری در گوشه شمال غربی صفا تخت جمشید، حدود چهل هزار لوحه گلی به شکل مهرهای نماز بدست آمد. بر روی این الواح واژگانی به خط میخی عیلامی نوشته شده بود. پس از خواندن آشکار شد که این الواح عیلامی اسناد ساخت قصرهای تخت جمشید است. در میان الواح بعضی به زبان پارسی و خط عیلامی است. از کشف این الواح، نظریاتی که اظهار می داشتند قصرهای تخت جمشید مانند اهرام مصر با به بیگاری گرفتن رعایا ساخته شده باطل شد؛ زیرا این اسناد عیلامی ثابت می کند که به تمام کارگران این قصرها، از جمله کارگران ساختمانی و نجار و سنگ تراش و معمار و مهندس مزد می دادند و هر کدام از این الواح سند هزینه یک یا چند نفر کارگر است. کارگرانی که در بنای تخت جمشید نقش داشتند، از ملت های مختلف چون ایرانی، مصری، بابلی، یونانی، عیلامی و آشوری تشکیل می شدند که همه آنان رعیت دولت شاهنشاهی هخامنشی ایران به شمار می رفتند. بر اساس خشت نوشته های کشف شده در تخت جمشید در ساخت این بنای با شکوه معماران، هنرمندان، استادکاران، کارگران، زنان و مردان بی شماری شرکت داشتند که علاوه بر دریافت حقوق از مزایای بیمه کارگری نیز استفاده می کردند. ساخت این مجموعه بزرگ و زیبا بنا به روایتی ۱۲۰ سال به طول انجامید.

در دوره هخامنشی پول نقش مهمی در مبادلات نداشت و داد و ستد بیشتر پایاپای بود و سکه های داریوش بیشتر برای نمایش خود داریوش بود. در لوح های دیوانی حداقل دستمزد ماهانه ۳۰ لیتر جو است. در صورت متاهل بودن کارگر همسر او نیز ۲۰ لیتر جو می گرفت. جیره کودکان به نسبت سنشان ۱۰، ۱۵، ۲۰ یا ۵ لیتر بود. به گمان از اعضای خانواده نیز در صورت توانایی کار کشیده می شد. همچنین باید افزود که خانواده های ایران در عصر هخامنشی در آمد های دیگری از طریق تربیت ماکیان و کاشت سبزی داشتند و از این طریق با روستاییان ایران نیمه قرن بیست قابل مقایسه اند. (رجبی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰). کارگران ماهر دستمزد بیشتری داشتند اینان علاوه بر جو جیره گوشت و شراب و گاه میوه خشک و گوسفند نیز داشتند. لوحه های دیوانی نشان می دهند که داریوش کورتشها را مانند سپاهیان طبقه بندی کرده بود. پیشه وران و هنرمندان ماهر، درجه یک طبقه جای داشتند. کتیبه ها نشان می دهند شغل های عصر هخامنشی متعددی بودند. از آن میان: سنگ تراشان و سنگ سابان و نقش اندازان، نجاران و خراطان، طناب بافان و بافندگان و آهنگران و خیاطان از پیشه وران این دوره اند؛ مثلاً سنگ تراش تندیس پرداز

"صدنفری" در تخت جمشید حقوقی (گوسفند و شراب و آب جو) به مانند کارمندان دیوانی داشت. بنا براین ظاهراً دیوان اداری جیره ماهانه را به شرح زیر پرداخت می کرده است:

کارگرساده = $1/60$ مارک طلا کارگرو گروه = $3/40$ مارک طلا کارگرو گروه = $5/30$ مارک طلا کارگرو گروه = $7/55$ مارک طلا کارمند خزانه شاهی = $15/40$ مارک طلا (رجبی، ۱۳۸۱ ص ۳۰۱)

به موجب الواح گلی تخت جمشید، دستمزد کارگران قصور و سایر کارکنان را قسمتی به پول و قسمت دیگر را به جنس پرداخت می کردند. در بابل، قبل از استقرار حکومت هخامنشیان، مسکوک نقره، سربی و مسی بین مردم کمابیش رواج داشت. به طوری که از وندیداد و سایر منابع بر می آید، در ایران کهن دادوستد بیشتر با جنس صورت می گرفته است، به طور مثال؛ در فقره ۴۳ دستمزد پزشکی که بیماری درمان کند، چنین تعیین شده است: «بزرگ زاده را درمان کنند به ارزش بهترین ستور، بهترین ستور را درمان کنند به ارزش پست ترین ستور، ستور پست ترین را درمان کنند به ارزش یک پاره گوشت.» در تورات نیز از معامله و مبادله با نقره و کالا هر دو سخن رفته است. به طوری که در باب بیست و سوم از صفر پیدایش نوشته شده است: «پس از آنکه سارا زن ابراهیم در سن ۱۲۷ سالگی در کنعان درگذشت... ابراهیم در آنجا سرزمینی برگزید و ۴۵۰ مثقال سیم با ترازو سنجید و آن زمین را خرید و سارا را به خاک سپرد.» یافته های فوق نشان می دهد عصر هخامنشی عصری سرشار از عدالت گستری و به دور از اندیشه های اهریمنی می باشد و هرگز نمی توان باور داشت که برده داری در این دوره رواج داشته است. کتیبه ها نشان می دهند که فرمانروایان هخامنشی شادی و آزادی را برای مردم به ارمغان آورده اند.

حیات اقتصادی کورتشها

تحقق وحدت در آسیای غربی در زیر پرچم هخامنشیان و توسعه ارتباطات بری و بحری و تحصیل مالیات و کثرت طلا عوامل نیرومندی بودند که به حیات اقتصادی ایرانیان جان تازه ای داده بود. اسناد تخت جمشید نشان می دهد که کارگران بخشی از حقوقشان را به صورت پول دریافت می نمودند. در زمان خشایار یک سوم دستمزد به صورت نقدی بوده و در زمان شاهان بعدی به دو سوم افزایش یافته بود. کارگران عصر هخامنشیان در ایجاد قنات و باغها و خشک کردن باتلاقها و ساخت فلزات و انتقال شیوه کشاورزی ایرانیان به ملل تابعه نقش مهمی را ایفا می نمودند. (رومن گیرشمن، ترجمه، محمد معین، ۱۳۷۲ ص ۲۰۱-۲۰۵)

مشاغل و حرفه های کورتشها

تنوع حرفه هادر گزارشهای باستانشناسی اسناد تخت جمشید آمده: الواحی که قابل خواندنند عموماً دارای مفاد و مفاهیم یکسانی هستند و از بررسی در آنها می توان به تنوع مشاغل و حرفه ها در آن دوران پی برد. بطور کلی کسانی که خدمت آنها مورد نظر قرار گرفته و در ازاء مدتی کار دستور پرداخت حقوق آنها صادر شده است، عبارتند از کارگران ساختمان کاخ پارسه، شبانان، زنان مأمور نگهداری اسب، کشتکاران، یک نفر پیشوای مذهبی، مأمورین تنظیم محاسبات، منبت کاران، آهنگرانی که مشغول ساختن در کاخ هستند، کارمندان مخزن خزانه، کارگرانی که نقوش برجسته سنگ و منبت کاریهای چوبی را به عهده داشته اند، درودگران و پیکر سازان، کارگران حجار و سنگتراش، کارگران کارگاههای تزیین کاخ، کارگرانی که به گرفتن شراب و آبجو مشغولند، زرگران، خرکچیها، زره سازان، مسکاران، پیشه وران و غیره. ناگفته نماند که بین کارگران مزدبگیر آن عهد اسم کارگر زن و پسرپیچه و دخترپیچه نیز به چشم می خورد. پیدایش و ترجمه نبشته های گلی نشان داد که برخلاف تصور بسیاری از مورخین و باستانشناسان، کاخهای عظیم باستانی تخت جمشید مولود بیگاری و زحمت بی اجر و مزد اسرا نبوده بلکه ظاهراً کارگران به فراخور سن و درجه تخصص و استادی خود از خزانه شاهی حقوقی می گرفتند. (هاید ماری کخ، ۱۳۸۶)

اسباب و وسایل جنگ

در روزگار قدیم، مهمترین اسباب دفاعی جنگ چهار سلاح بود: سپر، زره، ساقبند و خود:

۱-سپر: یکی از سلاحهای دفاعی است که وضع و قطر انواع آن یکسان نیست؛ گاه آن را از چوب سبک و نازکی می‌ساختند و رویش را با پوستی که با روغن تدهین شده بود، می‌پوشانیدند. گاه تمام سپر را از طلا یا مس می‌ساختند و در بعضی موارد از فلزات مذکور پرده‌ای بر روی سپر می‌کشیدند. سپرها را با دست چپ می‌گرفتند و گاه به‌جای آنکه با دست بگیرند به گردن می‌آویختند. سطح خارجی سپر محدب بود تا نیزه آن را پاره نکند.

۲-زره: با زره گاهی سینه و پشت و گاه شکم را نیز حفاظت می‌کردند و یکی از وسایل مهم دفاعی بود.

۳-ساقبندها: دو پارچه از پوست یا آهن بود که برای حفاظت ساقها استعمال می‌نمودند.

۴-خود: وسیله پوشش سر بود. غالبا از برنج و گاهی از پوست ضخیم ساخته می‌شد و در قدیم صفحه‌ای برای حفاظت صورت بر آن می‌افزودند.

اسباب هجوم عبارت بود: از شمشیر، نیزه، مزارق، تیروکمان، فلاخن، تبر و گرز. اول. شمشیرهای قدیم کوتاه و دو دم بود و آن را در غلافی جا می‌دادند و بر کمر می‌آویختند. دوم. نیزه و مزارق که هردو شبیه به یکدیگر بودند؛ لیکن نیزه از مزارق بلندتر بود. بلندی نیزه یونانیان قدیم ۲۵ قدم بود ولی نیزه اعراب از ۱۵ قدم تجاوز نمی‌کرد. سوم. تبر که معمولا آن را از کمان می‌ساختند و در جنگ و شکار به کار می‌رفت و در ابتدای امر، تبر را از چوب گز و کمان را از چوب نرم یا برنج می‌ساختند و زره را از پوست یا موی اسب یا روده حیوانات درست می‌کردند. سر تبر را گاهی به زهر آب می‌دادند و گاه اخگر و آتشی به یک‌طرف تبر می‌بستند تا اسبابهای طرف مقابل را آتش زنند. چهارم. فلاخن که به کمک آن، سنگ را به سوی هدف پرتاب می‌کردند. پنجم. تبر یا تبرزین. ششم. عصا یا گرز. (راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ۱۳۸۸، ج ۱ ص ۴۲۸)

موضوعات الواح استحکامات تخت جمشید

باید گفت که الواح تخت جمشید به استثنای یک مورد آن از اسناد وقایعگونه نیستند. الواح استحکامات بیشتر مربوط به عملیات جمع آوری، انبارکردن و توزیع کردن مواد غذایی و حقوق کارگران است که منتفع شوندگانش عبارت انداز: شاه، خاندان او، ماموران عالیرتبه تشکیلات اداری، کاهنان یا مغها، احشام و اسبان به ویژه گروههای کارگران کورتش‌شاغل در دیوانسراها، اراضی کشاورزی، کارگاههای تبدیل و کارگاههای ساختمانی و صنعتی تخت جمشید. (پیربریان، ترجمه، فروغان، ۱۳۸۱ ص ۶۶۰)

نقش کورتشها در هنر و معماری هخامنشیان

عالیترین هنر ایرانی به معنی حقیقی در این دوره، معماری آن است. این هنر در بناهای عظیم پاسارگاد و تخت جمشید و شوش تجلی کرده است. هنر هخامنشی کمتر به صحنه های مربوط به زندگانی حقیقی توجه دارد. تصویر صفوف طویل خراج گزاران در پلکان تخت جمشید تا حدی کوششی به سوی واقع پردازی (رنالیسم) می باشد، زیرا هدف عمده آنها از یک سوی، تجسم قدرت شاه بود و از سوی دیگر، نشان دادن تنوع مللی که شاهنشاهی را تشکیل می دادند. هنر مزبور هنری است در خدمت قدرت و ما فوق همه، هنری تزئینی به شمار می رود. هنر مندانا عصر در نقاشی حیوانات تفوق یافتند. سبک تزئیناتی که در عهد داریوش به کار رفته دارای مشخصات ذیل است: صراحت، تعادل و قدرت استحکام. در زمان خشایار شاه نیز

تغییراتی در هنر مزبور داده شد. وی تمایل به ساختن ساختمانهای عظیم و جسیم پیدا کرد مثل تالار صد ستون. کار تزئین پایتختها توسط پادشاهان بعدی هرگز قطع نشد و برخی دیگر آنچه را که خراب گردیده بود مرمت نمودند.

پاسارگارد

نخستین پایتخت هخامنشی در ایالت پارس در سالهای ۵۵۹ تا ۵۵۰ ق. م، به دست کوروش بنا شده و سپس از ۵۲۹ تا ۵۲۱ به دست پسرش کمبوجیه تکمیل گردیده.

نقش رستم

در نقش رستم که در حدود پنج کیلومتری تخت جمشید واقع شده، مقبره داریوش بزرگ و دیگر شاهنشاهان هخامنشی مانند: خشایارشا و اردشیر اول و دوم دیده می شود. این مقبره ها حفره هایی است که در صخره های عمودی بوجود آمده و مدخل آنها به صورت دالان سرپوشیده ای است که چهار ستون دارد.

کور تشها و تخت جمشید

نام تخت جمشید در زمان ساخت «پارسه» به معنای «شهر پارسیان» بود. یونانیان آن را پرسپولیس (به یونانی یعنی «پارسه شهر») خوانده اند. در فارسی معاصر این بنا را تخت جمشید یا قصر شاهی جمشید پادشاه اسطوره ای ایران می نامند. در شاهنامه فردوسی آمده است: جمشید پادشاهی عادل و زیبارو بود که نوروز را بر پا داشت و هفتصد سال بر ایران پادشاهی کرد. اورنگ یا تخت شاهی او چنان بزرگ بود که دیوان به دوش می کشیدند. تخت جمشید در مرکز استان فارس، ۱۰ کیلومتری شمال مرودشت و در ۵۷ کیلومتری شیراز قرار دارد. ارتفاع از سطح دریا تخت جمشید ۱۷۷۰ متر می باشد. در ساخت و بنای تخت جمشید نقش کور تشها که از ملل تابعه بوده اند بسیار مهم است. کتیبه های کشف شده در تخت جمشید نشان می دهند که کور تش ها با شغل های گوناگون (شغل ممتاز تا سطح پایین) در ساخت و توسعه و اداره تخت جمشید فعالیت می نمودند و بسیاری از کتیبه ها اختصاص به شرح فعالیت این طبقه از جامعه دارد. که در زیر مختصری بدان اشاره می شود:

معماران و هنرمندان

معماران، هنرمندان و متخصصان در ساخت تخت جمشید از ملل مختلف زیر نفوذ شاهان هخامنشیان مانند آشوریان، مصریان، اوراتوئیان، بابلیان، لودیان، ایونیان، هندوان، سکائیان و غیره تشکیل می شدند.

آرایش نقوش

معماران و هنرمندانی که در ساخت تخت جمشید نقش داشتند، نقشها را از سه طریق می آراستند. یکی چسباندن فلزهای گران بها به صورت رویه تاج، گوشوار، طوق، یاره و نظایر آن به اصل نقش و توسط سوراخهایی که در دو طرف شی مورد نظر برای گوهرنشانی می کردند. دوم نگاریدن و نقر کردن تزئینات اصلی لباس، تاج و کلاه با سوزن، به نحوی بسیار ظریف که نمونه آن بر درگاههای کاخ داریوش (تچر) و حرمسرا وجود دارد. سوم رنگ آمیزی که نمونه هایی از آن در کاخ سه دری و صد ستون موجود است.

نمای ورودی تخت جمشید نماد کور تش های ملل تابعه

جزئیات حجاری های پلکان روبه شمال کاخ آپادانا که نظامیان هخامنشی را نمایش می دهد. بر دیواره پلکان رو به جنوب تصاویری از نمایندگان کشورهای مختلف به همراه هدایایی که در دست دارند دیده می شود. هر بخش از این حجاری اختصاص به یکی از ملل دارد که در شکل زیر مشخص شده اند:

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	
۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴		

۱-مادی‌ها ۲- ایلامی‌ها ۳- پارت‌ها ۴- سغدی‌ها ۵- مصری‌ها ۶- باختری‌ها ۷- اهالی سیستان ۸- اهالی ارمنستان ۹- بابلی‌ها
 ۱۰- اهالی کلیکیه ۱۱- سکا‌های کلاه‌تیزخود ۱۲- ایونی‌ها ۱۳- اهالی سمرقند ۱۴- فنیقی‌ها ۱۵- اهالی کاپادوکیه ۱۶- اهالی
 لیدی ۱۷- اراخوزی‌ها ۱۸- هندی‌ها ۱۹- اهالی مقدونیه ۲۰- اعراب ۲۱- آشوری‌ها ۲۲- لیبی‌ها ۲۳- اهالی حبشه (پیربریان،
 ترجمه، فروغان، ۱۳۸۱ ص ۶۷۸)

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اوستا
۳. آراسته خو، دکتر محمد (۱۳۸۳)، کتابهای تامین و رفاه اجتماعی، دانشگاه پیام نور.
۴. آشوری، داریوش (۱۳۸۴) دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی). تهران: انتشارات مروارید.
۵. آنتونی گیدنز (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. چاپ سوم. تهران: نشر نی.
۶. ایلیا، گرشویچ (۱۳۸۵)، تاریخ ایران دوره هخامنشیان (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ترجمه، مرتضی ثاقب فر، تهران: نشر جامی.
۷. بیات، عزیزا... (۱۳۷۰)، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران (از آغاز تا صفویه)، تهران: نشر امیرکبیر.
۸. حکمت، علی اصغر (۱۳۵۰) آموزش در ایران باستان، انتشارات موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی آموزشی.
۹. خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۶)، تاریخ ایران باستان جلد اول، تهران: نشر سخن.
۱۰. دیاکونوف. ا.م. (۲۵۳۷)، تاریخ ماد، ترجمه، کریم کشاورز، تهران: نشر پیام.
۱۱. دیویس برایون، برده داری و تجارت برده، ۱۳۹۱
۱۲. رجبی، پرویز (۱۳۸۱)، هزاره‌های گمشده ج ۳، خشایارشا تا فروپاشی هخامنشیان، تهران: نشر توس.
۱۳. رومن، گیرشمن (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه، محمد معین، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۱۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۴) تاریخ مردم ایران، پیش از اسلام. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۵. شعبانی، رضا (۱۳۸۷)، مروری کوتاه بر تاریخ ایران، تهران: نشر سخن.
۱۶. کریستن سن، آرتور (۱۳۶۷)، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۷. محمدی، دکتر محمد (۱۳۵۳)، فرهنگ و تمدن پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی، دانشگاه تهران.
۱۸. مشکور، محمدجواد (۱۳۳۱) تاریخ مردم اوراتور، نشریه شماره یک انجمن فرهنگی و هزار ایران.
۱۹. نورمن ال. ماخت - مری هال (۱۳۸۷)، تاریخ برده داری، مترجم: سهیل سمی، تهران: نشر ققنوس.
۲۰. والترهینتس (۱۳۸۹)، داریوش و ایرانیان، ترجمه: پرویز رجبی، تهران: نشر ماهی.
۲۱. هایدماری کخ (۱۳۸۶)، از زبان داریوش، مترجم، پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ.
۲۲. هرودت (۱۳۸۶)، تواریخ، ترجمه، وحید مازندرانی، تهران، نشر دنیای کتاب.

Investigating the Status of Social Class of Kurtas during the Medes Achaemenid Periods

Ali Ghaseminia

*Master of Geography, discipline of Urban Planning, Azad University, Central Tehran Branch – a high school teacher in Education
Department of Qaemshahr City*

Abstract

One of the most important historical periods of Iran is the Achaemenid era (330-550 BC). Undoubtedly, we can see the effects of the system which the Achaemenids had founded on how to manage the country until the Qajar period, which shows the country management model that Darius used. Social life in Iran was based on agriculture during the Achaemenid era. The kings and administrative and religious organizations had workers called "Mania, Kurtas, Karda, Gardeha or Slaves". These workers who were mere slaves were used in construction, agriculture and industry affairs. They were considered prisoners of war and were often settled in villages.

Keywords: history, the Medes, the Achaemenid, social classes, kurtas, workers.
